لایحه ایجاد وزارت بازرگانی در شرایطی تصویب شده است که صنایع کشور در وضعیت سختی قرار دارند

حکمرانی صنعت در چالش ادغام و تفکیک

علی داماوندی‌کناری، پژوهشگر: لایحه تشکیل وزارت بازرگانی و تفکیک وزارت صنعت، معدن و تجارت در شرایطی از سوی دولت تصویب شده است که صنایع تولیدی کشور بیش از همیشه در وضعیت حساس و سختی قرار دارند و با توجه به نبود سند استراتژی توسعه صنعتی که در عمل موجب شده است صنایع در برخورداری از انواع حمایت‌ها حائز اولویت مشخص نباشند، تشکیل وزارت بازرگانی از یک سو با دامن‌زدن به بوروکراسی اداری موجود، افزایش موازی‌کاری‌ها و ایجاد تداخل در حوزه‌های کارکردی هر دو بخش صنعت و بازرگانی، بر مسائل و مشکلات این دو بخش خواهد افزود و از سوی دیگر، بیم آن وجود دارد که در صورت احیای وزارتی به نام وزارت بازرگانی و ایجاد سازمان و متولی مستقل در این حوزه، بخش تجاری به دنبال کسب سود بیشتر، بدون توجه به نیاز وارداتی بخش‌های تولیدی، صرفا به واردات بی‌رویه کالا اقدام کرده و تولید را بیش از پیش تضعیف کند.

کشمکش طولانی بر سر ادغام و تفکیک

وزارت صنعت، معدن و تجارت امروز، همان‌گونه که از نامش پیداست، ترکیبی از چندین وزارتخانه پیشین با چندین حوزه کاری مجزاست. این وزارتخانه به دلیل اهمیتی که در اقتصاد ملی دارد، نحوه اداره‌اش با حساسیت بالایی مواجه بوده است. ارتباط گسترده این وزارتخانه با بخش‌های مختلف مانند حوزه پولی و بانکی، بورس، تولید، توزیع، اشتغال، واردات، صادرات، ارتباط بین مصرف‌کننده و تولیدکننده و بسیاری بخش‌های دیگر و میزان اثرگذاری و اثرپذیری از این بخش‌ها، نشانگر اهمیت بالای آن است. وزارت صنعت، معدن و تجارت علاوه بر جایگاه مهمش در تدوین خط مشی صنعتی کشور، به دلیل تأثیر مستقیم بر شاخص‌های اقتصادی بر نوع رابطه حکومت و جامعه نیز تأثیرگذار است. چالش حکمرانی در وزارت صنعت، معدن و تجارت را می‌توان در نداشتن الگوی توسعه، سیاست‌گذاری اشتباه صنعتی، تنزل سرمایه‌داری صنعتی، چالش بوروکراسی شایسته‌گزینی و بالاخره تکرار مکرر جدایی‌ها و ادغام‌ها برشمرد. در این مقال، قصد فقط پرداختن به موضوع تکرار مکرر جدایی‌ها و ادغام‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت است. موضوع تفکیک مجدد بخش بازرگانی از وزارت صنعت، معدن و تجارت و تشکیل یک سازمان یا وزارتخانه جدید، از منظرهای گوناگون محل مناقشه موافقان و مخالفان تفکیک قرار گرفته است. نگاهی به گذشته نشان می‌دهد که ساختار سیاست‌گذاری و مدیریت بخش تولید و بازرگانی در ایران در طول تاریخ با تغییرات و تحولات بسیاری روبه‌رو بوده است. از سال ۱۲۸۵ هجری خورشیدی که وزارت تجارت در ایران تأسیس شد تا سال ۱۳۹۰ که وزارت صنعت، معدن و تجارت به شکل کنونی خود درآمد، بارها دو حوزه تولید و بازرگانی در کنار هم یا به‌صورت مجزا در ساختار اقتصادی کشور نقش ایفا کرده‌اند. این وزارتخانه شاید بیش از همه وزارتخانه‌های کشور در معرض ادغام و تفکیک‌های مکرر قرار داشته و این داستان همچنان ادامه دارد. تکرار مکرر این ادغام و جدایی‌ها، موجب سرگشتگی در فرایند حوزه تولید و تجارت و نشان از نداشتن نقشه راه در مسیر توسعه صنعتی کشور است. داوری درخصوص تفکیک مجدد نهاد دولتی متولی تولید و تجارت در کشور، نیازمند تعمق در نقش و کیفیت مداخله‌گری دولت و آثار آن بر بهبود یا افول این دو بخش است. تجربه کشورهای توسعه‌یافته از کوچک‌کردن و چابک‌سازی دولت، پیش‌روی همه کارشناسان اقتصادی قرار دارد و اینکه دولت تنظیم‌گر خوبی برای مناسبات بازار نیست و نظم طبیعی حاصل از مکانیسم عرضه و تقاضا را برهم می‌زند و به تخصیص نابهینه منابع می‌انجامد، در بسیاری از کشورهای جهان تجربه شده است. عموم کشورهای توسعه‌یافته دارای سازمانی مشترک برای سیاست‌گذاری در حوزه تولید و تجارت هستند. این موضوع موجب ساماندهی هر دو بخش و جلوگیری از تعارض و تضاد حکمرانی دولت‌ها در این بخش‌ها شده است. برگشت به تجربه‌های پرهزینه و پرچالش گذشته، قطعا به فرایند تولید و تجارت در کشور ضربه خواهد زد. به نظر می‌رسد تشکیل وزارت یا سازمان بازرگانی در حقیقت اراده‌ای برای ارتقای مداخله دولت در مناسبات نظم بازار بوده و حتی در شرایط فعلی که موضوع آزادسازی یارانه کالاهای اساسی هم انجام شده، اصولا فاقد ضرورت است. دولت‌های چابک کشورهای توسعه‌یافته با محدودکردن نقش دولت به دو موضوع سیاست‌گذاری و نظارت و عدم‌مداخله دولت در نظم درونی عوامل اقتصاد، از هدررفت منابع و فساد جلوگیری کرده‌اند. رابطه مستقیم حجم دولت و فساد از بدیهیات تجارب جهانی است، از این رو به‌منظور کاهش فساد سیستمی راهی جز کمترشدن نقش دولت در اقتصاد وجود ندارد. درواقع، ریشه ناکارآمدی و ناپایداری در نظام اقتصادی ایران، دخالت بی‌محابای دولت در نظم طبیعی اقتصادی است و طبیعتا امروز نیز نمی‌توان انتظار داشت با تقویت ظرفیت‌های ساختاری مداخلات دولت در نظم بازار، این ناکارآمدی و آشفتگی پایان پذیرد. زیرا هیچ ساختاری به تنهایی قادر به تکمیل و ایفای یک وظیفه نیست و نگاه تغییر ساختاری از جمله همین تفکیک و ادغام نگاه سخت‌افزاری به مباحث توسعه‌ای است. ناترازی اقتصاد کلان کشور، کیفیت نامناسب فضای کسب‌وکار به دلیل اصرار دولت بر دخالت گسترده در نظم طبیعی اقتصادی و همچنین دشواری ایجاد هماهنگی میان نهادهای متعدد سیاسی ذی‌نفوذ در نظام اقتصادی، ریشه دردهایی است که لایحه تأسیس وزارت بازرگانی به‌دنبال رفع آنهاست؛ اما چنین به نظر می‌رسد که تأسیس چنین وزارتخانه‌ای دقیقا تقویت‌کننده عواملی است که موجب بروز این مشکلات شده‌اند.

تفکیک در شرایط حساس

تفکیک بازرگانی از وزارت صنعت، معدن و تجارت، در شرایطی که بخش عمده‌ای از واحدهای تولیدی زیر ظرفیت بهینه مشغول فعالیت هستند، ساختار نظام توزیع، ناکارآمد و انحصاری شده و با ضعف در نظارت مواجه است و همچنین، فقدان سند استراتژی توسعه صنعتی که در عمل موجب شده است صنایع در برخورداری از انواع حمایت‌ها حائز اولویت مشخص نباشند، نه‌تنها مشکل را حل نمی‌کند بلکه از یک سو با دامن‌زدن به بوروکراسی اداری موجود، افزایش موازی‌کاری‌ها و ایجاد تداخل در حوزه‌های کارکردی هر دو بخش صنعت و بازرگانی، بر مسائل و مشکلات این دو بخش خواهد افزود و از سوی دیگر، بیم آن وجود دارد که در صورت احیای وزارتی به نام وزارت بازرگانی و ایجاد سازمان و متولی مستقل در این حوزه، بخش تجاری به دنبال کسب سود بیشتر، بدون توجه به نیاز وارداتی بخش‌های تولیدی، صرفا به واردات بی‌رویه اقلام مصرفی و کالاهای دارای مشابه داخل روی آورد و از این گذر صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکر بی‌جان تولید کشور وارد آورد.

باید در نظر داشت که مدیریت واحد و یکپارچه در تنظیم سیاست‌های صنعتی و تجاری و توسعه زنجیره تولید تا توزیع تنها در سایه وزارت صنعت، معدن و تجارت میسر است و با عنایت به آنکه عمده عوامل اثرگذار بر عملکرد کنونی وزارت صنعت، معدن و تجارت، به مدیریت ناکارآمد و مشکلات ساختاری این وزارتخانه و همچنین مسائل کلان اقتصاد کشور برمی‌گردد، بنابراین اقدام اصلاحی در این حوزه تفکیک وزارت بازرگانی از وزارت صنعت، معدن و تجارت و ایجاد سازمان و نهاد مستقل نیست، بلکه بازآرایی ساختار وزارت صمت از طریق بهره‌گیری از متخصصان و مدیران کارآمد و اصلاحات ساختاری و فرایندها، با رویکرد حمایت از تولید و تولیدمحوری و ایجاد بخش بازرگانی در خدمت تولید است. عدم کارایی کارگزاران در استفاده از ظرفیت‌های این نهاد، سبب بی‌اعتباری تجارب جهانی همگرایی سیاست‌های تجاری و صنعتی در ایران شده است. بسیاری از افرادی که معتقدند بخش‌های صنعت، معدن و تجارت باید در کنار یکدیگر وزارت واحدی را تشکیل دهند، همچنان به کارآمدی صمت اعتقاد دارند و سیاست‌گذاران را از دو یا چندپاره کردن این وزارت بر حذر می‌دارند.

انتخاب مدیران سیاسی به‌جای مدیران صنعتی

تأکید کارشناسان این است که تا زمانی که برای حوزه‌های صنعت، معدن و تجارت افرادی با کمترین تجربه علمی و بدون سابقه صنعتی از مسیر قدرت سیاسی انتخاب می‌شوند، در بر همان پاشنه خواهد چرخید. این رویکرد طی دوره‌های متمادی موجب شده است تا سیاست‌هایی در بخش تولید و تجارت ظهور کنند که سرچشمه آنها اندیشه‌های غیراقتصادی است؛ سیاست‌هایی مانند سرکوب قیمت، ممنوعیت واردات و پول‌پاشی که حاصلی جز صنعت‌زدایی نداشته‌اند و مقصر اصلی بحران اقتصادی کنونی هستند. مشکل ریشه‌ای دیگر فقدان کلان‌رویکرد صنعتی کشور است. اینکه آیا راهبرد توسعه صنعتی کشور مبتنی بر جایگزینی واردات و حمایت از تولید داخل است یا حمایت‌گرایی به دلیل کمبود منابع ارزی بوده و تمایلی برای حمایت از تولید داخل وجود ندارد؟ از دیگر مسائل حوزه صنعت و تجارت که باز هم ناشی از فقدان راهبرد توسعه صنعتی مشخص است، جایگاه صنایع سبک و مصرفی در مقابل صنایع استخراجی و منبع‌محور است. به‌بیان‌دیگر، حل مسئله اصلی بخش تجارت و صنعت بیش از آنکه به ادغام یا تفکیک وزارتخانه مرتبط باشد، در گرو پاسخ به این سؤال است که راهبرد توسعه صنعتی کشور چیست؟ هر دولت، وزارتخانه یا وزیر جدید باید ابتدا به امر تکلیف خود را با این پرسش مهم روشن کند.

پاسخ به این سؤال اساسی مسئله ادغام یا تفکیک وزارتخانه را بلاموضوع می‌کند.

شرکت نفت و گاز پارس به «شرق» توضیح داد

روند توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی

شرکت نفت و گاز پارس در پاسخ به گزارش گاف‌های عملیاتی گاز که نهم اردیبهشت جاری در روزنامه «شرق» منتشر شده است، پاسخی ارسال کرده که آن را در ادامه می‌خوانید: طرح توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی، به عنوان پیچیده‌ترین فاز این میدان بزرگ گازی، از حدود ۲۱ سال پیش در مجموعه وزارت نفت تعریف و مقرر شد که توسعه این فاز، با رعایت اولویت‌بندی توسعه فازهای بیست‌وچهارگانه میدان پارس جنوبی انجام شود. فرایند توسعه این فاز در دی‌ماه ۱۳۹۵ به کنسرسیومی متشکل از شرکت توتال فرانسه، CNPCI چین و پتروپارس سپرده شد؛ لیکن به دلیل محدودیت‌های بین‌المللی و خروج یا انصراف شرکا، در مهرماه ۱۳۹۸، اجرای این فاز به صورت کامل به شرکت پتروپارس واگذار شد تا با استفاده از توان داخلی آن را توسعه دهد. در بدو امر، با توجه به پیچیدگی‌های این فاز و دانش فنی خاص آنکه تنها در اختیار چند شرکت بزرگ غربی است، فرایند توسعه این فاز با توان داخلی با محدودیت‌هایی مواجه شد؛ با وجود این با آغازبه‌کار دولت سیزدهم و با تأکید بر اینکه هیچ طرح و پروژه‌ای در صنعت نفت نباید معطل تحقق برجام باشد، تمرکز مجموعه شرکت ملی نفت ایران بر انجام هرچه‌سریع‌تر توسعه این فاز قرار گرفت. در عین حال با توجه به پیش‌بینی محدودیت‌های ناشی از ناترازی گاز در سال گذشته، ورود این فاز به مدار تولید به یکی از اولویت‌های اصلی در مجموعه طرح‌های توسعه‌ای شرکت نفت و گاز پارس بدل شد و بر همین اساس مقرر شد تا با توجه به ظرفیت‌های موجود، در مهرماه سال ۱۴۰۱، چهار حلقه چاه با قید فوریت در موقعیت فاز ۱۱ حفاری شود تا با تولید زودهنگام، بتوان بخشی از ناترازی گاز در اوج مصرف زمستان را جبران کرد.در عین حال با نظر کارشناسان و خبرگان فنی شرکت ملی نفت ایران، مقرر شد تا با انتقال تاپ‌ساید فاز C12 میدان گاز پارس جنوبی که دوران افت فشار خود را تجربه می‌کرد، به فاز 11B، خلأ ناشی از ساخت تاپ‌ساید که غالبا در حدود سه سال به طول می‌انجامید جبران شده و تولید از این میدان هرچه زودتر نهایی شود.

حال با توجه به این مقدمه، لازم است تا به ابهامات نگارنده محترم پاسخ داده شود:

- توقیف کشتی لوله‌گذار اوشنیک و سیاه‌نمایی درباره انتقاد از خبرنگاران منتشرکننده این خبر:

درخصوص اختلاف حقوقی بر سر به‌کارگیری کشتی لوله گذار اوشنیک بین شرکت تأسیسات دریایی و شرکت لوک‌اویل در تابستان سال گذشته و درخواست این شرکت برای ادامه حضور این شناور در پروژه نورد استریم -۲ لازم است به این نکته توجه داشت که این فرایند یک موضوع داخلی و مورد اختلاف دو شرکت بوده و حل‌وفصل آن در محدوده اختیارات همین دو شرکت بوده است. بنابراین عملا هیچ دخالتی از سوی وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران در این مورد نمی‌توانست صورت بگیرد و بر همین اساس نیز ادعای انتقاد از خبرنگاران منتشرکننده این خبر نمی‌تواند ادعای درستی باشد.

تأکید می‌شود که پاسخ‌گویی شرکت ملی نفت ایران و وزارت نفت تنها در حیطه اختیارات و انتقاداتی است که بعضا به دلیل اطلاعات ناموثق یا ناکافی متوجه طرح‌ها و پروژه‌های ملی خواهد بود و حتی در این موارد نیز معمولا انتقادی از سوی مجموعه صنعت نفت به رسانه‌های منتقد انجام نمی‌شود؛ بلکه تنها به پاسخ‌گویی در مسیر تنویر افکار عمومی اکتفا می‌شود.

جهت اطلاع نگارنده محترم، هم‌اکنون مرحله تعمیرات محدود کشتی لوله‌گذار اوشنیک درحال انجام است و این کشتی به‌زودی، رسما نصب سکوی فاز ۱۱ را بر عهده می‌گیرد.

بدیهی است که ادعاهای نویسنده درباره نصف‌شدن کشتی در زمان عملیات موفق جداسازی سکوی 12C که برای اولین‌بار در کشور انجام شد، قطعا مقرون به صحت نیست و پرهیز از یک مشکل عملیاتی در اجرای پروژه‌های بزرگ و پیچیده نفتی عملا اجتناب‌ناپذیر است.

- ادعای حفاری ناکافی چهار حلقه چاه تولیدی فاز ۱۱ و عدم دستیابی به گاز موردنظر تا زمستان امسال:

در این خصوص باید گفت هم‌اکنون حفاری چهار حلقه چاه در فاز ۱۱ پارس جنوبی به‌طور کامل انجام و این چاه‌ها وارد فاز عملیات تکمیل چاه شده‌اند.

در این رابطه لازم است تا در راستای ارتقای اطلاع نگارنده محترم و مردم شریف ایران، توضیحات فنی درخصوص فرایند تکمیل چاه‌ها ارائه شود تا به غلط از فرایند تکمیل چاه به معنای حفاری ناکافی یاد نگردد.

عملیات تکمیل چاه شامل دو مرحله مشبک‌کاری و تولید گاز اولیه (فاز اول) و اسیدکاری چاه (مرحله دوم عملیات تکمیلی) است که هم‌اکنون سه حلقه چاه در مرحله تکمیلی ۲؛ یعنی اسیدکاری قرار گرفته‌اند و فرایند مربوط به اسیدکاری سه چاه از چهار حلقه چاه موجود درحال انجام می‌باشد.

- ادعای اشتباه درباره حفاری چاه‌ها:

ذکر این نکته لازم است که به دلیل ماهیت دریایی‌بودن سکوی موردنظر، عملیات حفاری تمامی چاه‌ها به‌صورت هم‌زمان ممکن نمی‌باشد و لازم است تا حفاری چاه‌ها به ترتیب انجام شود؛ بنابراین سقوط یکی از ادوات حفاری به داخل چاه، برخلاف آنچه که نگارنده محترم بدان اشاره کرده است، به معنای عدم حفاری چاه موردنظر نیست و عملیات اسیدکاری این چاه نیز پس از اتمام سه چاه قبلی انجام خواهد شد.

- انتقال سکوی C فاز ۱۲ به موقعیت مشابه در فاز ۱۱ و ادعای خروج بخشی از فاز ۱۲ از عملیات تولید گاز:

در این رابطه لازم است به این نکته توجه داشت که خروج تاپ ساید فاز ۱۲ و انتقال آن به موقعیت مشابه فاز ۱۱، بهترین تصمیمی بود که از سوی متخصصان شرکت ملی نفت ایران اتخاذ شده است؛ چراکه برخلاف ادعای مطرح‌شده در گزارش مذکور، به دلیل کاهش فشار گاز و تداوم برداشت، سکوی موردنظر در فاز ۱۲ به حداقل تولید خود رسیده بود؛ به طوری که گاز تولیدی عملا قابل برداشت نبود؛ واضح است که چنانچه این عملیات انتقالی انجام نمی‌شد، به زودی شاهد خروج سکوی C فاز ۱۲ از روند تولید گاز می‌بودیم.

درواقع تصمیم برای انتقال این سکو به دلیل قید فوریت در تولید زودهنگام گاز از فاز ۱۱ و جبران ناترازی گاز بوده است.

این در حالی است که چنانچه قرار بود ساخت سکوی موردنظر در فاز ۱۱ انجام شود، حداقل به سه سال زمان نیاز داشت که خود به‌معنای تأخیر حداقل سه‌ساله در فرایند برداشت از این فاز بوده است و شکی نیست که انتقال سکو به فاز ۱۱، بهترین تصمیم صورت‌گرفته از سوی متخصصان شرکت ملی نفت ایران بوده است.

نکته دیگری که بر اشکالات فنی گزارش «شرق» می‌افزاید، ادعای مطرح‌شده در این گزارش است که انتقال سکوی موردنظر از فاز ۱۲ را به معنای ازدست‌دادن تولید پنج میلیون مترمکعب گاز از این فاز دانسته است؛ حال آنکه در جای دیگری از گزارش، تولید زودهنگام از فاز ۱۱ را به‌منظور برداشت همین مقدار گاز از این فاز قلمداد کرده است؛ با فرض پذیرفتن این ادعا لازم است از نگارنده محترم سؤال شود که چگونه می‌توان پذیرفت که یک شرکت بخواهد با صرف هزینه‌های زیاد، نسبت به جابه‌جایی یک سکو اقدام کند تا همین میزان گاز را این‌بار از فاز دیگری تولید کند؟!

- ادعای عدم به مدار آمدن فاز ۱۱ در سال ۱۴۰۲

همان‌طورکه پیش‌تر اشاره شد، با توجه به تکمیل عملیات حفاری چاه‌ها و انجام فرایند نصب سکو بر روی عرشه فاز ۱۱ در آینده‌ای نزدیک، عملا تولید زودهنگام از این فاز در نیمه ابتدایی امسال انجام خواهد شد.

ذکر این نکته لازم است که انجام فعالیت‌های مربوط به بهره‌برداری از این فاز هم‌اکنون مطابق تقویم زمانی در سال ۱۴۰۲ در حال انجام است و علاوه بر آن، حفاری دو حلقه چاه دیگر نیز تا پایان آذرماه امسال برنامه‌ریزی شده است که با بهره‌برداری از این دو حلقه، شش حلقه چاه از این فاز تا پایان سال به مدار تولید خواهد آمد.

درعین‌حال ساخت جکت برای یک سکوی دیگر (در ادامه فرایند توسعه این فاز ۱۱) در حال انجام است و پیمانکار تاپ‌ساید مربوطه نیز انتخاب شده است.

بار دیگر تأکید می‌شود که فرایند توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی، تخصصی‌ترین و دشوارترین فاز توسعه‌ای در حوزه این میدان بزرگ گازی است که با توجه به محدودیت‌های بین‌المللی، با کار سخت و طاقت‌فرسا و تماما با تکیه بر توان داخلی انجام می‌شود؛ به عنوان ذکر یک نمونه می‌توان از عدم وجود تجربه جابه‌جایی سکو از دریا به دریا در کشور یاد کرد که در نهایت با دشواری‌های فراوان از سوی متخصصان و کارشناسان ایرانی به انجام رسید.

با وجود این دشواری‌ها، می‌توان ادعا کرد که رکوردهای به‌دست‌آمده در توسعه این میدان در مقایسه با دیگر فازهایی که عمدتا با تکیه بر توان داخلی به انجام رسیده، قابل‌توجه است و انصاف نیست که نگاه رسانه‌ای درخصوص فعالیت‌های صورت‌گرفته، تنها با عیب‌جویی همراه بوده و از دستاوردهای اجرای این طرح بزرگ ملی یاد نشود.

در نگاهی کلی توسعه این فاز با تکیه بر توان داخلی، علاوه بر اینکه تجارب ارزشمند فنی و عملیاتی و اثرات عمیق مبنی بر خودباوری را برای شرکت‌های ایرانی به همراه خواهد داشت، در مقایسه با انجام فرایند توسعه‌ای توسط توتال و سی‌ان‌پی‌سی که قرارداد آن نافرجام ماند؛ در زمان کوتاه‌تری امکان‌پذیر خواهد بود؛ چراکه تکیه صرف بر ساخت سکو و حفاری تمام چاه‌ها بود که امری زمان‌بر و نافی منافع ملی کشورمان بوده است.

آگهی فراخوان تجدید مناقصه عمومی شماره ۳/ سه (نوبت دوم)

شهرداری پرند به استناد مجوز شماره ۲۱۹۰ مورخ ۱۴۰۲.۰۲.۱۹ شورای اسلامی شهر پرند در نظر دارد انجام بیمه گروهی پرسنل شهرداری پرند را به شماره ۲۰۰۲۰۹۸۲۸۳۰۰۰۰۰۳ را از طریق تجدید مناقصه عمومی واگذار نماید. لذا شرکت های واجد شرایط جهت دریافت اسناد فراخوان و اطلاعات بیشتر میتوانند از تاریخ ۱۴۰۲.۰۳.۰۴ با مراجعه به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس (www.setadiran.ir) در فراخوان شرکت نمایند.

۱.مبلغ اعتبار پروژه: ۲۵.۰۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال

۲.سپرده شرکت در مناقصه: ۱.۲۵۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال که بایستی نقدا به حساب شماره ۰۱۰۹۱۱۳۳۶۶۰۰۶ (شماره شبا IR۲۸۰۱۷۰۰۰۰۰۰۰۱۰۹۱۱۳۳۶۶۰۰۶) نزد بانک ملی به نام شهرداری پرند یا بصورت ضمانتنامه بانکی تسلیم دبیر خانه این شهرداری گردد. لازم به ذکر است چنانچه برندگان اول و دوم مناقصه حاضر به عقد قرارداد نشوند سپرده آنان به ترتیب به نفع شهرداری ضبط خواهد شد.

۳.مهلت و محل دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ انتشار آگهی تا ساعت ۱۴:۰۰ روز پنج شنبه مورخ ۱۴۰۲.۰۳.۰۴ و محل دریافت اسناد آن صرفاً از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir می باشد.

۴.مهلت و محل تسلیم پیشنهادات متقاضیان میبایست پاکتهای پیشنهاد قیمت خود را که برابر شرایط مندرج در اسناد مناقصه تنظیم شده است را حداکثر تا ساعت ۱۱:۰۰ روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۲.۰۳.۲۲ در سامانه تدارکات الکترونیک دولت(www.setadiran.ir) بارگذاری نماید

× تذکر صرفا اسناد پاکتهای پیشنهاد (ب) و (ج) دارای امضای الکترونیکی مورد پذیرش است و در جلسه بازگشایی پاکتهای (ب) و (ج)، اسناد فیزیکی (کاغذی) و اسناد فاقد امضای الکترونیکی (دارای مهر گرم) به هیچ وجه مورد پذیرش نیست.

۵.مدارک لازم جهت دریافت اسناد متقاضیان جهت دریافت اسناد میبایست از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (www.setadiran.ir) نسبت به تهیه اسناد اقدام نمایند.

۶.زمان بازگشایی پیشنهادها ساعت ۱۲:۰۰ روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۲.۰۳.۲۲ می باشد.

۷.شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادات مختار است.

۸. هزینه درج آگهی به عهده پرنده می باشد.

-تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۴۰۲.۰۳.۰۴ -تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۴۰۲.۰۳.۱۱

حمیدرضا اله یاری
شهردار پرند

گزارش

گزارشی از یک روز عجیب در بیمارستان شهریار

بیمارستان شهریار یک بیمارستان خصوصی فوق‌تخصصی در منطقه ۱۰ تهران واقع در خیابان آذربایجان نبش خیابان کارون است.

مادر من در این بیمارستان در تاریخ هشتم خرداد ۱۴۰۲ به علت دردهای شکمی در بخش سوم بستری شد.

بعد از گذشت دو روز دکتر، آزمایش‌های آندوسکوپی و کونولوسکپی را برای مادرم تجویز کردند. زمان انجام آزمایش‌ها ۱۰ صبح روز دهم خرداد بود.

من در تاریخ ۱۰ خرداد ساعت ۱۰ صبح برای همراهی به بیمارستان رفتم. بعد از یک ساعت تأخیر، برای انجام دو آزمایش به طبقه پنجم بیمارستان منتقل شدیم.

اتاق آندوسکوپی اتاقی شبیه راهرو و متشکل از سه بخش کوچک بود که هر قسمت را با پرده‌هایی کوتاه از هم جدا کرده بودند. مادر به جهت انجام چندباره آندوسکوپی و آگاهی از دردی که قرار است متحمل شود، تأکید کرده بود که بیهوش شود.

دکتر ... متخصص داخلی با تأخیر نیم‌ساعته رسید و من را صدا کردند و گفتند نمی‌توانند مامان را بیهوش کنند؛ چون اتاق عمل شلوغ است و متخصص بیهوشی هم درگیر اتاق عمل است؛ بنابراین یک آمپول تزریق می‌کنیم که بتواند بخوابد و درد را حس نکند، آن آمپول در برابر آن دردی که مامان قرار بود تحمل کند، خیلی ناچیز بود، مخالفت کردم و گفتم صبر می‌کنیم تا متخصص بیهوشی بیاید.

با اکراه قبول کردند و گفتند پس منتظر بمانیم.

من برگشتم و مادر همچنان روی ویلچر منتظر بود و می‌گفت تا مطمئن نشود که بیهوش می‌شود روی تخت نمی‌رود.

نیم ساعت دیگر معطل آمدن دکتر بیهوشی شدیم.

در همین حین که منتظر آمدن دکتر بیهوشی بودیم، بوی سیگار کل اتاق را پرکرد. من ناباورانه و درحالی‌که مطمئن بودم ممکن نیست کسی داخل بیمارستان سیگار بکشد، رفتم تا تراس و محوطه بیرون را چک کنم که پرده را کنار زدم و دیدم دکتر ... پشت میزش توی اتاق آندوسکوپی و در فضای سربسته دارد سیگار می‌کشد.

ناباورانه زل زده بودم به دکتر. رفتم جلو و خیلی مؤدبانه خواهش کردم سیگارش را خاموش کند، گفتم مامانم از بوی سیگار اذیت می‌شود. با لبخند جواب داد که چه مادر ناز نازی‌ای داری.

و همچنان سیگار می‌کشید.

پنجره کنارش را که بسته بود، باز کردم و با عصبانیت برگشتم.

پرستاری که پیش مامان بود، با تعجب پرسید: چیزی بهش گفتی؟ ایشون سهام‌دار و جزء هیئت‌مدیره بیمارستانه.

بعد از انجام آندوسکوپی و کولونوسکوپی مامان برگشت توی تختش، هوشیاری‌اش را که به دست آورد رفتم سراغ مدیر بیمارستان.

مدیر بیمارستان را گویا به این سادگی‌ها نمی‌شد دید و من را برای ثبت شکایتم راهنمایی کردند سمت اتاق کارشناس پرستاری، اتاق خانم م. ا.

رفتم تو و با عصبانیت گفتم پزشکتان به چه حقی توی اتاق بیمار سیگار می‌کشد؟

پرسید کجا؟ گفتم اتاق آندوسکوپی ... حرفم تمام نشده بود که با آسودگی درحالی‌که لم داده بود به صندلی جواب داد: آها دکتر ... رو می‌گی... ببین عزیزم ایشون جزء سهام‌دارهای اصلی بیمارستانن و خب معمولا هم همیشه سیگار می‌کشن و کاریش هم نمی‌شه کرد.

گفتم اینکه خودتان قبل اینکه من چیزی بگویم راجع بهش حرف می‌زنین، معنی‌اش این است که حداقل هزار نفر دیگر راجع به این موضوع شکایت داشته‌اند.

پس چرا به‌جای بی‌اعتنایی یک جواب درست به بیماران و همراهان‌شان می‌دهید؟

در جواب گفت انتظار جواب درست نداشته باش. وقتی دست‌هات رو توی جیبت کردی و داری با من حرف می‌زنی.

با دست به در اشاره کرد و با لحنی تحقیرآمیز گفت از اینجا برو بیرون.

وقتی گفتم به‌جای این رفتار نادرست شما باید از بیماران و همراهان‌شان عذرخواهی کنید، ایشان با حراست بیمارستان تماس گرفت و بدون هیچ عذرخواهی و مقصر شناخته‌شدن با کلی بی‌احترامی ما را از بیمارستان خارج کردند.

پیگیری می‌کنیم

خبرنگار «شرق» این موضوع را از طریق مدیر روابط‌عمومی دانشگاه علوم پزشکی ایران پیگیری کرد. محمدحسین کفایی‌مهر در واکنش به این گزارش اعلام کرد: «موضوع را پیگیری می‌کنیم و اقدامات لازم را انجام خواهیم داد». همچنین اسامی کادر درمان برای بررسی به مدیر روابط‌عمومی دانشگاه داده شده است. همچنین خبرنگار «شرق» با روابط‌عمومی بیمارستان شهریار تماس گرفت و کسی پاسخ‌گو نبود.

خبر

افزایش مبلغ یارانه کالابرگ

وزیر تعاون، کار رفاه اجتماعی از افزایش ۸۰ هزارتومانی مبلغ یارانه کالابرگ الکترونیک خبر داد و اعلام کرد این طرح از هفته آینده اجرا می‌شود و همه یارانه‌بگیران یا هر عضو از خانواده‌های‌شان که ۴۰۰ هزار تومان دریافت نقدی یارانه دارند، در صورت استفاده و خرید کالابرگ الکترونیکی مبلغ یارانه آنها به ۴۸۰ هزار تومان افزایش می‌یابد. به گزارش ایسنا، دولت با هدف حمایت از معیشت خانوارها و حفظ سلامت غذایی افراد طرح کالابرگ الکترونیکی را به اجرا درآورده و اجرای موفق این طرح به کاهش تورم و تقویت معیشت خانوار کمک بسیاری خواهد کرد. در این طرح امکان خرید اعتباری ۱۰ قلم کالای اساسی شامل ماست، شیر، پنیر، قند و شکر، ماکارونی، روغن مایع، برنج، مرغ و تخم‌مرغ تا سقف مبلغ یارانه خانوار یک ماه زودتر از تاریخ واریز نقدی فراهم شده است. ارزش ریالی سبد مذکور ۵۳۰ هزار تومان است؛ ولی سهم پرداختی مردم برای خرید ۱۰ قلم کالا ۲۳۵ هزارو ۷۵۰ تومان است که در صورت تورم احتمالی و افزایش قیمت‌ها این سهم تغییر نمی‌کند. البته روز گذشته وزیر کار از برنامه جدید دولت برای توسعه طرح کالابرگ الکترونیکی پرده برداشت و اعلام کرد که مبلغ یارانه کالابرگ افزایش خواهد یافت. آن‌طور که سیدصولت مرتضوی گفته، دولت تصمیم گرفته تا در حوزه کالابرگ اقدامات جدیدی را در دستور کار قرار بدهد و در گام نخست میزان یارانه یارانه‌بگیران در سه دهک اول را با خرید ۷۰ درصد کالا ۲۰ درصد افزایش دهد تا از افزایش یارانه خرید برخوردار شوند. به‌تازگی بانک مرکزی برای کاهش شدت کمبود منابع ارزی، تصمیم گرفته ارز مبادله‌ای تولیدکنندگان مناطق آزاد را قطع کند. این تصمیم عجولانه و بدون هماهنگی بانک مرکزی نه‌تنها فعالیت تولیدکنندگان مناطق آزاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بلکه اقتصاد کلان و اشتغال را هدف قرار گرفته است. به گزارش ایلنا نکته حائز اهمیت این است که با قطع ارز ترجیحی تولیدکنندگان مناطق آزاد، قیمت تمام‌شده تولید در سرزمین اصلی بسیار کمتر خواهد شد و اساسا کالای تولیدشده در مناطق آزاد فرصت صادرات به داخل کشور را از دست می‌دهند و از سوی دیگر در صادرات بازار خارج حتی در رقابت با کالاهای سرزمین اصلی بازنده هستند، چه برسد به بازارهای جهانی که بدون هزینه تحریم در میدان رقابت حاضر شده‌اند.حجت‌الله عبدالملکی، دبیر شورای عالی مناطق آزاد، با اعتراض به این تصمیم یک‌جانبه بانک مرکزی، سوم خردادماه نامه‌ای انتقادی را به محمدرضا فرزین، رئیس کل بانک مرکزی، ارسال کرده است.

« **آگهی فقدانی اسناد ومدارک موتورسیکلت** »

کلیه اسناد ومدارک موتورسیکلت شامل سندمالکیت وسیله نقلیه(برگ سبز) ، سندوفاکتورفروش خودرو(برگ کمپانی) وکارت موتورسیکلت نیما تیپ ۱۲۵CC مدل ۱۳۹۰ به شماره موتور: ۱۵۶FMINBEB۰۲۰۷۷۵ ، شماره شاسی : NBE***۱۲۵B۹۰۰۰۷۷۶ و شماره پلاک انتظامی ۵۳۱۷۵ / ایران -۳۲۶ بنام آقای **هادی جوادی قوشچی** فرزند اسکندر متولد ۱۳۷۴،۰۹،۰۴ صادره از سراب به شماره ملی ۱۶۴۰۲۴۲۰۶۶ مفقود واز درجه اعتبار ساقط است./ب۲۴۴۵